

درآمدی بر

مبانی کلامی علم دینی

با تأکید بر علوم انسانی

قاسم ترخان

www.ketab.ir



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

درآمدی بر مبانی کلامی علم دینی

با تأکید بر علوم انسانی

قاسم ترخان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: الغدير

سرشناسه: ترخان، قاسم.

عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر مبانی کلامی علم دینی با تأکید بر علوم انسانی، قاسم ترخان.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۴۶۰ ص.

شابک: ۸ - ۳۷۷ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه، یادداشت: نمایه.

موضوع: علوم انسانی (اسلام).

Humanities (Islam).

موضوع: کلام — قرن ۱۴.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ / ۴۰۴ / ۲۳۲ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۷۷۰۹۹

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

جبه حقوق محفوظ است

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۵	مقدمه
۱۸	الف) پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق
۱۹	ب) ضرورت‌ها، اهداف، حقیق
۲۱	ج) پیشینه تحقیق
۲۲	د) فرضیه تحقیق
۲۵	ه) قلمرو تحقیق
۲۶	و) نقد و نوآوری تحقیق
۲۹	بخش نخست: مبادی تصویری
۳۳	فصل نخست: مفهوم‌شناسی
۳۳	مبحث نخست: مفهوم‌شناسی مبانی و مبادی
۴۴	مبحث دوم: مفهوم‌شناسی کلام و باورهای اعتقادی
۵۳	فصل دوم: چپستی علم دینی
۵۴	مبحث نخست: علم‌شناسی
۵۴	گفتار نخست: معانی و کاربردهای واژه علم
۵۵	الف) معنای مصدری، اسم مصدری یا وصف مفعولی
۵۵	ب) معرفت شخصی یا مشاع
۵۶	ج) مطلق فهم یا فهم مطابق
۵۷	د) مطلق آگاهی یا آگاهی نظام‌مند

۶۱	ه) قضایای کلی یا اعم از کلی و شخصی
۶۱	و) قضایای حقیقی یا اعم از حقیقی و اعتباری
۶۲	ز) تجربی یا اعم از آن
۶۳	گفتار دوم: ویژگی‌های شناخت تجربی
۶۳	الف) توصیف، تبیین و پیش‌بینی
۶۶	ب) عینیت
۷۳	مبحث دوم: چیستی علوم انسانی
۷۵	گفتار نخست: علوم انسانی با نگاه پسینی
۹۷	گفتار دوم: علوم انسانی با نگاه پیشینی
۱۰۷	مبحث سوم: چیستی علوم انسانی اسلامی
۱۲۷	بخش دوم: امکان علوم انسانی اسلامی (انکار یا اثبات؟)
۱۳۱	فصل نخست: انکارگرایان
۱۳۳	مبحث نخست: تأثیر باورها و چالش‌های علم‌شناختی
۱۳۹	مبحث دوم: تأثیر باورها و چالش‌های علم‌شناختی
۱۳۹	گفتار نخست: تحلیل تاریخی ناظر به عدم امکان تأثیرگذاری
۱۳۹	الف) تجربه‌های ناموفق در تاریخ علم
۱۴۱	ب) ناخواسته‌بودن فرایند تولید علم در مقام اثبات
۱۴۲	گفتار دوم: تحلیل منطقی ناظر به عدم امکان تأثیر
۱۴۳	الف) تحلیل منطقی بر اساس مؤلفه‌های علم
۱۴۷	ب) تحلیل منطقی بر اساس مراحل تحقیق
۱۵۱	ج) تحلیل منطقی بر اساس اصول موضوعه علم
۱۵۲	۱. استدلال با استفاده از اصل ابطال‌پذیری
۱۵۷	۲. استدلال بر اساس تفکیک مقام داوری از گردآوری
۱۷۶	۳. استدلال بر اساس تفکیک روشی علوم
۱۹۰	مبحث سوم: تأثیر باورها و چالش‌های دین‌شناختی
۱۹۱	گفتار نخست: ابتدای معرفت دینی بر علوم سکولار
۲۱۵	گفتار دوم: حداقلی‌بودن قلمرو دین
۲۲۹	

مبحث نخست: گواهی تاریخ علوم بر امکان اثرگذاری باورهای کلامی..... ۲۳۰

مبحث دوم: تحلیل منطقی و اثبات امکان تأثیرپذیری علوم انسانی از باورهای کلامی

..... ۲۴۰

بخش سوم: چگونگی تأثیر باورهای کلامی بر علوم انسانی ۲۴۹

فصل نخست: تأثیر پیشینی و پسینی ۲۵۳

فصل دوم: تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ۲۶۱

مبحث نخست: عناصر تأثیرپذیر ۲۶۳

گفتار نخست: مؤلفه‌های رکنی علم ۲۶۳

فصل دوم: فرایند و مراحل پژوهش ۲۹۳

(الف) مرحله اول: گزینش مسئله ۲۹۷

(ب) مرحله دوم: انتخاب مفاهیم و الگوها برای فهم مسئله ۲۹۹

(ج) مرحله سوم: طرح پژوهش یا فراینددرآیی ۳۰۷

(د) مرحله چهارم: سیاست‌گذاری و ترسیم خط‌مشی‌ها ۳۱۸

گفتار سوم: فرایند تحقق علوم ۳۱۹

مبحث دوم: عوامل تأثیرگذار ۳۲۸

گفتار نخست: فرضیه‌ها و تنوع‌ها ۳۳۹

گفتار دوم: مبانی فلسفی و قضایای هستی ۳۴۱

گفتار سوم: ایدئولوژی و قضایای اخلاقی ۳۵۰

گفتار چهارم: فرهنگ، محیط و جامعه آماری ۳۶۸

گفتار پنجم: ویژگی‌های شخصیتی دانشمندان ۳۷۵

مبحث سوم: تأثیر باورها در مقام گردآوری یا داوری ۳۷۷

فصل سوم: تأثیر خرد و کلان ۳۹۵

مبحث نخست: روش‌های مدرن ۳۹۹

مبحث دوم: روش‌های پسامدرن ۴۰۳

مبحث سوم: باورهای کلامی و پارادایم‌ها ۴۰۴

نتیجه ۴۱۹

منابع ۴۲۵

۴۳۵	الف) کتاب‌ها
۴۳۵	عربی
۴۳۸	فارسی
۴۳۸	لاتین
۴۳۹	ب) مقاله‌ها
۴۴۵	ن) نرم‌افزارها، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، قوانین و...
۴۴۷	فهرست آیات
۴۵۱	فهرست روایات
۴۵۳	نمایه اعلام
۴۵۷	نمایه اصطلاحات

■ پیشگفتار ■

در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی به‌ویژه تعالیم اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ مرفعی و نجات‌بخش آدمی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم وحیانی و ارزش‌های اسلامی از سوی بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان شد و از دیگر سو باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مکاتب شرعی و نظام‌های مبتنی بر آنها گشت.

بایستگی تحقیقات دقیق و مسجدها، نظام‌پروری و نوآوری پیرامون زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به‌راخو، شرایط کنونی و درخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ما، و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین و تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سازماندهی فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی - پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی محض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس، «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد علمی - فکری حسب‌الأمر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدّ ظلّه‌العالی) و با تلاش فراوان آیت‌الله‌علی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

گروه کلام که از جمله گروه‌های پژوهشکده «حکمت و دین پژوهی» است، منظار تحقق اهداف ذیل در سال ۱۳۷۵ شکل گرفت:

۱. بازپژوهی کلام اسلامی و بررسی تحلیلی آثار و آرای متکلمان برجسته شیعه؛
۲. تبیین و بسط عقاید اسلامی به زبان زمان؛
۳. اهتمام به تعمیق و توسعه دین‌پژوهی و کلام اسلامی سعی بر نظریه‌پردازی و نوآوری در حوزه فعالیت گروه با توجه به نظرها و نیازهای جدید؛
۴. پاسخ‌گویی به شبهات القابلی در قلمرو عقاید و کلام اسلامی و نقد دیدگاه‌های معاصر؛
۵. مطالعه تطبیقی در عقاید اسلامی در نسبت دین با دانش‌های دیگر.

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی توانسته است با بهره‌مندی از توانمندی علمی اعضای هیئت علمی، محققان و همکاری نهادهای علمی دیگر، مباحث فلسفه دین را توسعه و تعمیق دهد. در همین جهت این نهاد موفق شد در سال ۱۳۹۱ مجوز رسمی نطب فلسفه دین را از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای توسعه، تعمیق، ساماندهی، مدیریت این حوزه دریافت کند.

قطب علمی مرکزی است که در آن دانشمندان و محققان رشته یک رشته با همکاری و در قالب کارگروهی می‌کوشند با تولید دانش و نوآوری، پاسخگوی نیازهای علمی، اجتماعی و فرهنگی این رشته بوده و در جهت کسب مرجعیت علمی گام بردارند. با توجه به بیانات مهم مقام معظم رهبری درباره تحقق مرجعیت علمی جمهوری اسلامی ایران در جهان در پنجاه سال آینده، قطب‌های علمی کشور کوشش مضاعفی برای دستیابی به جایگاه مرجعیت در کشور دارند.

اهداف عمده این قطب عبارت‌اند از:

۱. نقد فلسفه دین غربی؛
 ۲. تأسیس و توسعه فلسفه دین اسلامی؛
 ۳. پاسخ به پرسش‌ها و شبهات درباره مسائل فلسفه دین در عرصه جهانی و داخلی؛
 ۴. تغذیه و جهت‌دهی فعالیت‌های علمی مربوط به حوزه فلسفه دین در حوزه و دانشگاه در دو ساحت آموزش و پژوهش برای احراز مرجعیت؛
 ۵. پشتیبانی نظری از مبانی عقلی و برون‌دینی نظام اسلامی و کاربردی کردن فلسفه دین اسلامی از این رهگذر؛
 ۶. کشف، تبیین و دفاع از مبانی علوم انسانی اسلامی و نقد مبانی رقیب؛
 ۷. ارتقای سطح علمی و کیفی آموزش فلسفه دین اسلامی در دانشکده‌های مربوط به این رشته کشور؛
 ۸. سوق دادن محققان برجسته فلسفه دین به سمت مسئله‌یابی در زمینه‌های مرتبط با حوزه فلسفه دین، تبیین تأثیر آن بر زندگی فردی و جمعی و ارائه راه حل برای آن؛
 ۹. بسترسازی مناسب برای تربیت دانش‌مندان متمحص و تراز اول در حوزه مسائل فلسفه دین اسلامی.
- آنچه پیش روی است، نتیجه یکی از پژوهش‌های مشترک گروه «کلام» و «قطب فلسفه دین» است که به وسیله محقق ارجمند - حاج آیت‌الله محمد باقر حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم ترخان به سامان رسیده است.
- پژوهش حاضر ضمن ورود به حوزه چیستی علوم دینی اسلامی، می‌کوشد در دو بخش مستقل، اثبات تأثیرگذاری (اثبات اصالت اندان) و چگونگی آن را بحث و بررسی کند؛ موارد ذیل را می‌توان از دستاوردهای تحقیق برشمرد:
- تحلیل چالش‌های معرفت‌شناختی، علم‌شناختی و دین‌شناختی ناظر به عدم امکان تأثیرگذاری گزاره‌های کلامی و نقد آنها. در این بخش، تأثیر گزاره‌های کلامی در قلمرو علوم انسانی حداکثری دانسته می‌شود، با این توضیح که گزاره‌های کلامی اولاً، در همه مؤلفه‌های ماهیت‌ساز و هویت‌ساز علم و نیز

در مراحل تحقیق و فرایند تحقق علوم؛ ثانیاً، در علوم انسانی رایج - در معنای خاص علوم انسانی یا معنای عام آن - و مطلوب اثر گذارند؛ ثالثاً، تأثیر گذاری، به مقام گردآوری محدود نشده است و شامل مقام داوری نیز می شود.

چگونگی این تأثیر گذاری را می توان بر اساس یکی از حالت های «پیشینی پسینی»، «مستقیم و غیر مستقیم» و «خرد و کلان» دانست. اگرچه در مراحل بعدی می توان از روش پسدادنشی استفاده کرد؛ ولی در نهایت به جهت نفوذ بی سکو لار در بافت نظریه های علمی باید به صورت پیشدادنشی بر اساس مبانی کلامی با تأسیس علم دینی اقدام کرد. بررسی تأثیر گزاره های کلامی در آنچه تأثیر پسینی نامیده می شود، مانند فرایند و مراحل پژوهش و همچنین عناصر ماهیت ساز علوم و... و آنچه تأثیر می گذارد، مانند فلسفه های الهی یا الحادی، اصول ایدئولوژیک (اوله های ارزش و اهداف عالم)، پیش فرض ها، فرهنگ و شرایط محیطی، ویژگی های دینی دانشمندان و... دو سنخ از تأثیر گذاری مستقیم و غیر مستقیم را روشن می سازد.

همچنین تأثیر باورهای کلامی گاهی خرد و زمانی کلان است؛ مثلاً گاهی روش حل مسئله و زمانی پارادایم حاکم بر علم، ساختار علوم، روش علم و روش نظریه را تحت تأثیر خود قرار می دهد.

باورهای کلامی ضمن نقد پارادایم هایی که تاکنون بر علوم انسانی حاکم بوده اند، می تواند در تولید پارادایم جدید نقش اساسی داشته باشد و با دخالت در کبرای قیاس و فهم رفتارها به مدد تبیین یا تفسیر یا انتقاد بر پدیده های اجتماعی بیاید. از ویژگی های کتاب حاضر می توان به جای بحث مباحث، طبقه بندی مطالب در ساختاری جدید و نقدهای اختصاصی نویسنده بر دیدگاه های رقیب اشاره کرد.

نویسنده کتاب از دو دهه پیش ضمن فعالیت علمی و مدیریتی در فضای مجازی و پاسخگویی به شبهات، در حوزه کلام و فلسفه دین به تحقیق و تألیف چهار کتاب و ۲۸ مقاله در نشریات علمی و انتشار ۲۵۰ مقاله در فضای مجازی پرداخته است که اکنون از کتاب نگرشی عرفانی، فلسفی و کلامی به

شخصیت و قیام امام حسین (ع)، نگرشی نو به نقش هدایت‌گری اهل بیت (ع) و مقالاتی مانند «رابطه توحید و ولایت با تأکید بر حدیث سلسلة الذهب»، «نقد علوم انسانی متداول»، «مدل سبک زندگی برایندی از جهان‌شناسی»، «مبانی کلامی و عرصه‌های پیشرفت»، «پایه‌های مشروعیت حکومت اسلامی»، «مبانی جهان‌شناختی الگوی اسلامی پیشرفت»، «انکار علم دینی در محک نقد» و «علل معنوی و ماتریالیسم روش شناختی» به عنوان نمونه می‌توان نام برد. توفیقات محققان هر هیئت را از خدای سبحان خواستاریم.

در پایان از همه اعضای شورای علمی گروه کلام، قطب علمی فلسفه دین و ارزیابان محترم جناب حجت الاسلام والمسلمین حسین بستان (نجفی) و جناب حجت الاسلام والمسلمین حمیدرضا شاکرین و به‌ویژه مؤلف گرامی جناب حجت الاسلام والمسلمین قاسم ترخان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که با مساعده و تدبیر در تولید و باندگی اثر کوشیدند و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت آماده‌سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده دارد، قدردانی نموده، استادان و صاحب‌نظران درخواست می‌شود با ارسال نظرها و پیشنهادهای سازنده، خویش ما را یاری کنند.

گروه کلام
پژوهشگاه حکمت و دین‌پژوهی

قطب علمی فلسفه دین

■ مقدمه ■

علوم انسانی معانی متفاوتی دارد. گاهی از آن معنای عام و زمانی دیگر معنایی خاص (علوم رفتاری اجتماعی) اراده می‌شود. در معنای اخیر، علوم انسانی با روش تجربی بر اساس پارادایم خاصی به تبیین یا تفسیر و... رفتار و پدیده‌های اجتماعی اقدام می‌کند. عقیده بر آن است که علوم انسانی رایج با شیوه‌های متفاوت به تبیین یا تفسیر انسان متعارف پرداخته و از این جهت مشتمل بر گزاره‌های توصیفی است. علاوه بر این، از راه گزاره‌های توصیه‌ای و دستوری (باید و نبایدها) می‌کوشد زمینه‌ها را حقوق انسان آرمانی را فراهم نماید. در واقع علوم انسانی متداول و موجود، صمیمیت بین رفتارهای انسان و پدیده‌های اجتماعی، در جهت دستیابی به نقطه مطلوب، ارزش‌ها و بایدهایی را هنجار می‌شمارد و توصیه می‌کند.

ادعای پرداختن علوم انسانی رایج، به بایدها و نبایدها مانند نقد اوضاع اجتماعی، طراحی و ارزیابی قوانین و سیاست‌های اجتماعی و ارائه رهنمودهایی لازم به دست‌اندرکاران امور اجرایی در جهت حل مشکلات فردی و اجتماعی آنان، بر اساس پارادایم انتقادی بدون مناقشه است. در پارادایم‌های دیگر مانند اثبات‌گرایی، به عنوان کاربردهای علوم اجتماعی مورد پذیرش و تأکید است، اگرچه به جهت رویکرد پوزیتیویستی، دانش از ارزش جدا می‌شود و رشته‌هایی مانند حقوق، مدیریت، اقتصاد هنجاری و روانشناسی بالینی - که هنجاری یا سیاست‌گذاری‌اند - علم انگاشته نمی‌شوند.

بی‌شک با نگاه پسینی به این علوم، با حجمی از نظریه‌ها یا گزاره‌ها - اعم

از توصیفی، توصیه‌ای و معرفی انسان شایسته - روبه‌رو خواهیم شد که بر گزاره‌ها یا باورهای اعتقادی و کلامی مبتنی است. پرسش اساسی آنکه آیا با نگاه پیشینی می‌توان عقاید دینی را به مثابه مبنا قرار داد و از تأثیر آنها بر روش، ساختار و طبقه‌بندی، موضوع، گزاره‌ها و مسائل و غایت و کارکردهای علوم انسانی یا مراحل پژوهش در علوم انسانی، سخن گفت؟ و علومی را بر اساس آن سامان داد که از آن به علوم انسانی اسلامی تعبیر می‌شود؟ پاسخ‌گویی به این پرسش، فرع بر آن است که پیش از آن مباحثی ناظر به امکان، جواز، فایده‌مندان (بایستگی) و ضرورت تأثیر باورهای کلامی بر علوم انسانی طرح شود و به هم دیگر سازوکار و چگونگی این تأثیر کاوش شود.

پژوهش - ضرورت - ورود به حوزه چیستی علوم انسانی اسلامی، می‌کوشد در دو بخش، استقلال تأثیرگذاری (اثبات اصل امکان) و چگونگی آن را بحث کند.

وجه عدم ورود ما به حوزه‌های جواز، بایستگی و ضرورت از آن جهت است که اولاً، این سه نیازمند پژوهشی مستقل با حجمی در خورند که این نوشتار گنجایش آن را ندارد؛ ثانیاً، پاسخ‌گویی به برخی شبهات مطرح‌شده در حوزه امکان به صورت ضمنی جواز، مطلوبیت و ضرورت را نیز به اثبات خواهد رساند؛ مثلاً نسبت به بخشی از چالش‌های ناظر به امکان علم دینی، پاسخ داده می‌شود که گزاره‌ها و باورهای اعتقادی شبه‌ارکانی که ریشه در واقعیت دارند، پذیرش تأثیر گزاره‌های این‌چنینی در علم به نسبت معرفت‌شناختی و... منجر نخواهد شد. از این پاسخ می‌توان در پاسخ‌گویی شبهات یا پرسش‌های ناظر به مطلوبیت نیز بهره گرفت؛ مانند این پرسش و ادعا که اگرچه ممکن است گزاره‌های اعتقادی در علم تأثیر بگذارند، اما باید ساخت علوم را از آنها پیراست؛ چراکه با ابطال نظریه‌هایی که بر اساس باورهای کلامی شکل گرفته است، در نهایت این دین و اسلام است که لطمه می‌بیند. بر این اساس، آیا بایسته است پای دین را در حوزه‌ای وارد کرد که احتمال جدی در آسیب‌دیدن آن وجود دارد؟

برخی از اشکالات مطرح شده در حوزه علم دینی بر اساس مبانی معرفت شناختی، علم شناختی، دین شناختی و... متخذ از سوی منکران علم دینی صورت می گیرد. پاسخ گویی و رد آن مبنا می تواند در تمام حوزه های مذکور کاربرد داشته باشد و ابهام زدایی نماید؛ مثلاً گاهی گفته می شود علم هویت جمعی دارد و تولید علم بر اساس باورهای کلامی یک فرقه یا مذهب با این هویت ناسازگار است یا دانش از ارزش جداست و... بر این اساس، اگر علم بخواهد علم باشد، نمی تواند از باورها تأثیر بپذیرد و اگر تأثیر پذیرفت باید از آن پیراسته گردد.

روشن است این بار تکی ناشی از ماهیت علم است و اینکه علم به ما هو علم ممکن نیست از باورها تأثیر بپذیرد و این یعنی اگرچه به لحاظ وقوع امکان پذیر است که هم از باورها اثر بپذیرد، اما علم در ذات خود این را بر نمی تابد و این به معنای آن است که علمی که اثر پذیرفته است علم نخواهد بود، پس علم در ذات خود امتناع دارد از اینکه از باورها اثر بپذیرد. بی شک از این امتناع هم عدم امکان علم دینی ثابت می شود و هم عدم مطلوبیت و... گفتنی است مباحث این نوشتار اگرچه بر محور علوم انسانی است، اما از آنجا که برخی مباحث آن مشترک با سایر حوزه است و اختصاصی به علوم انسانی ندارد، عنوان «درآمدی بر مبانی کلامی علم دینی» با تأکید بر علوم انسانی» برای تحقیق حاضر، انتخاب گردید.

نوشتار پیش رو درصدد اثبات امکان تأثیرپذیری علوم انسانی از باورهای کلامی و تبیین چگونگی این تأثیرگذاری می باشد، البته در پژوهش مستقیمی که در آینده ای نزدیک به حول و قوه الهی شروع خواهد شد، برآیند تأثیرگذاریها و باورهای کلامی بر سطوح و فرایند تولید علوم انسانی بررسی خواهد بود.

در هر حال پیش از هر چیز لازم است نکاتی هرچند اجمالی در جهت ایضاح بحث ارائه شود.

الف) پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق

پرسش اصلی تحقیق و پژوهش حاضر، این است که آیا امکان دارد گزاره‌های عقیدتی در مقوله تولید علوم انسانی بایسته نقشی را ایفا کنند؟ اگر آری، سازوکار آن چیست و چگونه باورهای کلامی می‌توانند بر علوم انسانی تأثیر بگذارند؟

مجموعی در تحقیق حاضر پرسش‌های دیگری که از پرسش‌های فرعی به شمار می‌آیند، پاسخ مناسب و درخوری را دریافت خواهند کرد؛ مانند اینکه: ماهیت علوم انسانی اسلامی چیست؟ آیا تأثیرگذاری گزاره‌ها و باورهای کلامی در علم به نسبت آن مرفعت منجر نخواهد شد؟ آیا پذیرش این مبنا که گزاره‌های اعتقادی بر علم تأثیرگذارند، علم را از علم‌بودن خارج نمی‌کند؟ آیا برای دین چنین توان و ظرفیتی وجود دارد که تولیدکننده گزاره‌های تأثیرگذار در قلمرو علم باشد؟

به بیان دیگر، پرسش اصلی تحقیق عبارت است از: آیا ممکن است گزاره‌ها و باورهای کلامی در علوم انسانی تأثیر بگذارند؟ اگر پاسخ مثبت باشد، این تأثیرگذاری چگونه است؟

اما پرسش‌های فرعی تحقیق ناظر به آنچه در پرسش اصلی آمده از سه‌بخش کلان تشکیل شده است:

۱. نوع اول پرسش‌های فرعی ناظر به مبادی تصویبه بحث: مبانی کلامی، علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی به چه معنا هستند؟
۲. نوع دوم پرسش‌های فرعی ناظر به امکان تأثیرگذاری:
 - آیا باور به تأثیرگذاری باورهای کلامی در تعارض با مبانی معرفت‌شناختی اندیشمندان مسلمان نیست؟ و به نسبت منجر نمی‌شود؟ چالش‌های معرفت‌شناختی این ادعا چیست؟
 - آیا باور به تأثیرگذاری باورهای کلامی در تعارض با مبانی علم‌شناختی مانند عینیت نیست؟ آیا علم را از علم‌بودن خارج نمی‌کند؟ و آیا به نسبت منجر نخواهد شد؟ و... چالش‌های علم‌شناختی این ادعا چیست؟

- آیا تأثیرگذاری باورهای کلامی در علوم انسانی به چالش‌های اخلاقی منتهی نمی‌شود؟

- آیا باور به تأثیرگذاری باورهای کلامی در تعارض با مبانی دین‌شناختی نیست؟ برای دین این توان و ظرفیت وجود ندارد که باورهای تأثیرگذار در قلمرو علم تولید کند؟ (در چالش‌های علم‌شناختی و معرفت‌شناختی و نیز چالش اخلاقی، از وجود مانع و در چالش‌های دین‌شناختی از نبود مقتضی سخن به میان می‌آید).

- و اساس چه استدلال منطقی می‌توان امکان تأثیر را اثبات کرد؟

۳. نین سوم پرسش‌های فرعی ناظر به چگونگی تأثیرگذاری باورهای کلامی در علوم انسانی:

- آیا باورهای کلامی به صورت پسادانشی و پیشادانشی می‌توانند تأثیرگذار باشند؟
- آیا باورهای کلامی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر علوم انسانی تأثیر گذارند؟

- آیا باورهای کلامی علاوه بر تأثیر به صورت خرد، تأثیر پارادایمی و کلان دارند و می‌توانند در کبرای قیاس و فهم رفتار تأثیرگذار باشند؟

گفتنی است در نوع دوم پرسش‌های فرعی، سخن از امکان و هستی و در نوع سوم از پرسش‌های فرعی، سخن از چگونگی و بله، رکیه است.

ب) ضرورت‌ها و اهداف تحقیق

با نگاهی به وظایف و کارکردهای علوم انسانی رایج می‌توان ادعان کرد که این علوم نقش اساسی در تربیت انسان‌ها، مدیریت اجتماع و شکل‌گیری سبک زندگی دارند و پایه تمدن به حساب می‌آیند، اما از آنجاکه این علوم در موضوع، روش، مسئله، رویکرد و جهت‌گیری سکولارند، نمی‌توانند زمینه‌ساز تمدن اسلامی باشند و در تحقق حکومت اسلامی نقش داشته باشند و انسان را به سوی سعادت دنیا و آخرتش رهنمون کنند!

توضیح اینکه این علوم با تأثیرپذیری از باورهای کلامی سکولار؛ اولاً، در موضوع سکولارند؛ زیرا انسان به عنوان موضوع این علوم، مادی انگاشته شده و

خودبنیاد است، نه خدا بنیاد. همچنین انسان بسان پدیده‌های طبیعی و به صورت جبری و غیرمختارانه، در برابر امور دیگر از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد؛^۱ ثانیاً، آن‌گونه که توضیح آن خواهد آمد، از باید و نبایدهایی دم می‌زند که زمینه تحقق انسان ایده‌آل سکولار و خودبنیاد را فراهم می‌سازد؛ ثالثاً، در روش سکولار است و برای وحی که منبع و معیار سنجش معرفت است مکانتی قائل نیست؛ بعداً، در رویکرد و جهت‌گیری سکولار است و به دنبال سعادت دنیا و آخرت انسان نیست؛ از این رو نمی‌تواند، زمینه‌ساز کارکردهای پیش‌گفته باشد. پذیرش ادعای مذکور، این بر آن است که اثبات شود علوم انسانی از مبانی و باورهای سکولار متأثر پذیرفته‌اند و علاوه بر این چگونگی آن توضیح داده شود. اثبات فی الجمله مضرب دهنه شده و اینکه تأثیرپذیری علوم انسانی از مبانی و باورهای

۱. در برخی پارادایم‌ها و نظریه‌ها، گرچه از طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی (ماتریالیسم وجودشناختی) حمایت نمی‌شود و حتی قایل به عنوان موجودی که از بدن و روح ترکیب یافته است، مخالفت نمی‌شود، اما نوعاً طبیعت‌گرایی روش‌شناختی در علوم موجود پذیرفته شده است. در طبیعت‌گرایی روش‌شناختی عوالم فراطبیعی جایگاهی در تبیین‌های علمی ندارند. در نوشتار پیش رو اشاره خواهد شد که طبیعت‌گرایی روش‌شناختی نیز قابل دفاع نیست.

۲. اگرچه در برخی پارادایم‌ها و نظریه‌ها، چنین تصویری از انسان به نفع نمی‌شود و این نوع نگاه به پارادایم پوزیتیویستی و برخی نظریه‌ها اختصاص دارد؛ اما نمی‌تواند در کل‌گرایی وجودشناختی، استقلال هرچند نسبی افراد در برابر جامعه انکار و هویت انسان به طور کامل، محصول و آفریده جامعه پنداشته می‌شود (برای اطلاع از دیدگاه ام. ریکیم، ر.ک: جورج ریتزر؛ نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر؛ ص ۵۷) یا از منظر زبان‌شناسی ساختارگرای میشل فوکو، کنشگران فقط حاملان یک نظام گفتمانی‌اند که خود مخلوق آن نیز هستند (ر.ک: برایان فی؛ پارادایم‌شناسی علوم انسانی؛ ص ۹۵) و اگرچه در دهه‌های اخیر در غرب شاهد پارادایم‌های دیگر و تسلط تدریجی دیدگاهی هستیم که به تأثیر متقابل کنش‌های فردی و ساختارهای کلان قائل می‌باشد (ر.ک: دانیل لیتل؛ تبیین در علوم اجتماعی؛ ص ۱۷۰-۳۳۱)، به نظر می‌رسد هنوز روح حاکم بر مجامع دانشگاهی کشور، پارادایم پوزیتیویستی است.

سکولار هم ممکن است و هم تحقق یافته است و اینکه تولید علوم انسانی بر اساس باورهای کلامی اسلامی امکان پذیر است و همچنین تبیین چگونگی این تأثیر، بر عهده تحقیق حاضر است.

به عبارت دیگر، توجه به نقش بنیادین علوم انسانی و نقدهای فراوانی که بر وضعیت موجود آن وارد است، تحول علوم انسانی را ضروری می‌نماید. آن‌گونه که در بخش دوم همین نوشتار توضیح آن می‌آید، بر علوم انسانی سه گونه نقد معرفتی، اخلاقی و دینی وارد است که تحول در علوم انسانی رایج را ضروری می‌نماید.

وضعیت مغایرت این تغییر و تحول همان احیای علوم انسانی و پیراستن آن از مبنای فکری سکولاریزم و اشراق ایمان در بافت درونی، استنتاج و جهت‌گیری این علم بر اساس نیاز کشور و ارزش‌های اخلاقی است، اما ترسیم چهارچوبی برای تولید علوم انسانی اسلامی، بدون درک درستی از علوم انسانی و اسلامی‌سازی آن و همچنین ثبات امکان و تبیین چگونگی این تأثیرگذاری میسر نیست که این نوشتار با عنوان «درآمدی بر مبانی کلامی علم دینی با تأکید بر علوم انسانی» درصدد تحقق آن است.

ج) پیشینه تحقیق

موضوع تحول در علوم انسانی و در نهایت دستیابی به علوم انسانی اسلامی و علم دینی اگرچه امر جدیدی نیست، خصوصاً اینکه پس از انقلاب اسلامی ایران، گام‌های جدی در این مسیر برداشته شده است، اما هم‌زمان با تحولات صورت گرفته در این حوزه رنگ و بوی فلسفی دارد و به نقش باورهای اعتقادی و کلامی پرداخته نشده است. گفتنی است همزمان با آغاز این پروژه سلسله نشست‌هایی از سوی گروه کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد که کوشیده است زوایایی از ابهامات موضوع را روشن نماید. با صرف نظر از رنگ و بوی کلامی، مقالات و کتاب‌های چاپ شده یا چاپ نشده‌ای که ناظر به بخش اول و دوم مطلبی داشتند، مورد توجه جدی نویسنده بوده و تلاش کرده است از مطالب مفید آنها استفاده نماید، اما

درباره بخش سوم تحقیق، اثر مستقلى در زمان نگارش اثر يافت نشد. اگرچه در طول پروژه به آثاری چاپ شده یا در دست چاپ برخورد شد که قسمت‌هایی از آن آثار به توضیح مرحله به مرحله روش به کارگیری گزاره‌های متون دینی یا تأثیر مکتب در بخش‌های مختلف فعالیت علمی اختصاص یافته بود، اما بسیاری از مباحث طرح شده در این نوشتار — مانند تأثیر گزاره‌های کلامی بر مؤلفه‌های رکنی علوم و... — پیشینه‌ای در آثار گذشته ندارد. نویسنده کوشیده است با استفاده از زحمات صورت‌گرفته، احتمالات رکن‌بررسی و در نهایت با نگاهی جامع، ضمن دسته‌بندی عناصر تأثیرگذار، عناصر تأثیرپذیر مانند مراحل فعالیت علمی و مؤلفه‌های رکنی و غیررکنی علوم را موشکافی کند و نکات تازه‌ای ارائه نماید.

(د) فرضیه تحقیق

از آنجاکه پرسش اصلی تحقیق در بداهه امکان و چگونگی تأثیر است، فرضیه تحقیق از دویخش برخوردار است:

۱. فرضیه ناظر به امکان: باورهای کلامی در سطوح مختلف علوم انسانی رایج و مطلوب، معنای خاص و عام حتی در مقام دینی تأثیر می‌گذارند.

این عبارت از سویی امکان تأثیرگذاری باورها را به دلیل خاصی از علوم انسانی منحصر نمی‌کند و شامل همه مؤلفه‌هایی می‌شود که در راهبیت و هویت علم نقش دارند. از سوی دیگر، علوم انسانی رایج و مطلوب — به معنای خاص علوم انسانی مدنظر باشد یا معنای عام آن — را متأثر از باورهای کلامی می‌داند. افزون بر این، تأثیرگذاری در سطحی مانند نظریه‌ها را محدود به مقام گردآوری نمی‌کند و این یعنی باور به تأثیر حداکثری باورها در قلمرو علوم انسانی. بر این اساس، ممکن است با لحاظ عقاید اسلامی و باورهای کلامی به‌مثابه مبنا و با نگاه پیشینی در ساختار، روش، موضوع، گزاره‌ها و کارکردهای علوم انسانی به علوم انسانی اسلامی دست یافت.

۲. فرضیه ناظر به چگونگی: تأثیرگذاری باورها را می‌توان بر اساس یکی از حالت‌های «پیشینی و پسینی»، «مستقیم و غیرمستقیم» و «خرد و کلان» دانست.